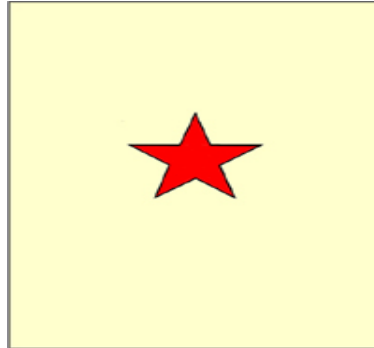


درباره زندگی رفیق خلیل سلماسی نژاد



چریک فدائی خلق رفیق خلیل سلماسی نژاد کمونیست آگاهی بود که پس از این که بنیانگذاران چریکهای فدائی خلق با بررسی شرایط عینی جامعه و تحلیل تجربیات مبارزاتی مردم به ضرورت مبارزه مسلحانه به مثابه هم استراتژی و هم تاکتیک رسیدند ، با همه وجود این راه را پذیرفت و همه وجودش را صرف پیشبرد آن نمود. به دلیل شرایط مبارزه در زیر سلطه دیکتاتوری عریان رژیم شاه هیچ رفیقی از نام اصلی این رزمنده کمونیست اطلاعی نداشت چون رفیقی که او را به سازمان معرفی کرده بود یعنی رفیق جواد سلاحی در درگیری خیابانی با نیروهای سرکوب شاه به شهادت رسیده بود و به دشمن امکان دسترسی به اسرار خلق را نداده بود. به همین دلیل هم همه رفقا او را با نام مستعارش می شناختند و وی را به یاد کارگر قهرمان ویتنامی "وان تروی" صدا می کردند. چرا که رفیق خلیل در آن زمان در میان رفقای سازمان به کارگر کمونیستی معروف بود که معتقد بود: "آدمی با سر افراشته باید بزید، و سر افراشته باید میرد، و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش، و نهد در ره آزادی خلق، همه هستی خویش". به همین دلیل هم بود که همه یاران رفیق خلیل بدون دانستن نام اصلی این رفیق، وی را به مثابه کمونیستی می شناختند که جان در راه آزادی و سوسیالیسم گذاشته بود .

رفیق خلیل از جمله رفقائی بود که در اولین تیم های نظامی گروه، سازمان داده شد. او یکی از اعضای تیم عملیاتی بود که با مسئولیت رفیق مسعود احمدزاده، عملیات حمله به کلانتری قلعهک را در ۱۶ فروردین سال ۵۰ با موفقیت به پیش بردند.

یکی دیگر از فعالیت های رفیق خلیل تبلیغ ضرورت مبارزه مسلحانه در چهارچوب برنامه های تیم رفیق احمدزاده بود. از جمله پخش ۱۳ اعلامیه ای که در فروردین ماه سال ۵۰ از سوی چریکهای فدائی خلق تکثیر شد و برای اولین بار رفقای تشکیلات، در این اعلامیه ها خود را با نام چریکهای فدائی خلق در سطح جنبش معرفی نمودند. رفیق خلیل از جمله رفقائی بود که در آن سال و در شرایط سخت پلیسی حاکم این اعلامیه ها را در محیط هایی نظیر هنرسرای عالی نارمک پخش کرد.

رفیق خلیل در اردیبهشت سال ۱۳۵۰ و در شرایطی که رفقا تصمیم گرفته بودند موجودی بانک ملی شعبه آیزنهاور در تهران را مصادره کنند مشغول تهیه کوکتل مولوتف برای این عملیات بود که متاسفانه بر اثر انفجار کوکتل در دستانش دچار سوختگی شدید شد. شدت سوختگی به حدی بود که رفقا مجبور شدند رفیق را به بیمارستان سینا منتقل کنند. اما چون معالجات موثر واقع نشده بود، رفقای دکتر سازمان، رفقا چنگیز قبادی و اسدالله مفتاحی پیشنهاد دادند که رفیق خلیل را به بیمارستان خصوصی منتقل کنند که این امر با توجه به شرایط امنیتی آن زمان و این واقعیت که رفیق خلیل با نام مستعار سیروس افخمی نژاد در بیمارستان بستری شده بود کار بسیار خطرناک و مشکلی بود. اما این مهم به پشتکار رفقا به هر حال انجام شد. متاسفانه تغییر

بیمارستان هم سلامت رفیق را به وی باز نگرداند و رفیق خلیل دوست داشتنی که در میان یارانش به نام "وان تروی" شناخته می شد در حالی که همچون "وان تروی" تمام تنش "آتش بی پایان بود" بر اثر جراحات وارده در بیمارستان جان باخت و با خونس درخت انقلاب را آبیاری نمود.

به دنبال شهادت رفیق خلیل در اردیبهشت سال ۵۰ چون هیچ رفیقی نام اصلی او را نمی دانست برای چریکهای فدائی امکان نداشت که خانواده رفیق را از این اتفاق دردناک مطلع سازند. امری که دردناکی حادثه را دوچندان می ساخت. تجربه زندگی پر بار انقلابی و مرگ دردناک رفیق خلیل سلماسی نژاد به مثابه کمونیست آگاهی که برای برقراری یک دنیای عاری از ظلم و استثمار پرچم طبقه خویش را به دست گرفت، برگگی از صفحات تاریخ پر افتخار مبارزات کمونیست های چریک فدایی را رقم زد. یاد و راه این رفیق پاکباخته همواره در قلب کارگران و خلق های تحت ستم ما باقی خواهد ماند!

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!